

گفتگوی عباس عبدی با حجاریان

عبدی: مدتی است که در خیابان، کسانی که احيانا من را می شناسند بعد از سلام و علیک می پرسند که آقای عبدی «آخرش چه می شود؟» این سوال برای همه مطرح است و البته یک نکته کلیدی در آن وجود دارد. گویی سوال کننده غایب و در موضع انفعال است. نکته کلیدی دیگر هم این است که به نظر می رسد آینده برای همه نامعلوم است. البته تکرار این سوال به نظر من اتفاقی نیست و بی پاسخ گذاشتن آن هم راهی را برای ادامه بحث های دیگر باز نمی کند. حالا آقای حجاریان چون شما در خیابان راه نمی روید من این سوال را به نیابت مردم از شما می پرسم که بالاخره چه می شود؟ تصور شما از آینده چیست؟

حجاریان: از من هم این سوال به کرات پرسیده می شود. همین موج است که گرایش های انتظار به موعود را دامن زده است. بعضی ها به امید يك دست غیب هستند. برخی دیگر امید دارند که در انتخابات بعدی يك کاندیدایی پیدا شود که وضعیت را تغییر دهد. مشکل از اینجا ناشی می شود که همه چیز به معیشت مردم گره خورده است. مردم منتظر هستند که فشار های معیشتی کمتر شود اما هر روز با افزایش آن مواجه هستند. نهایتاً هم فشار معیشتی است که مردم را وامی دارد تا بپرسند چه می شود؟ از طرف دیگر دولت هم پیشتر وعده هایی را داده بود که هنوز محقق نشده و نوعی حرمان و عسرت را دامن زده است. بخشی هم به احساس ناامنی مربوط می شود. مردم از آینده خود هیچ تصویری ندارند و احساس ناامنی می کنند. در واقع به قول فرنگی ها اکنون "سیستم غارت" وجود دارد. وقتی فرد در معرض غارت قرار می گیرد، به دنبال يك مامن می گردد. اینجاست که شرایط برای ظهور يك مستبد فاشیست مهیا می شود. البته دولت کنونی نه توان تامین امنیت را دارد و نه توان کنترل تورم را. وضعیت کنونی ما حاکم شدن نوعی هرج و مرج است. اوضاع حسین قلی خانی است.

عبدی: ببین آقا سعید، چند نکته را باید از هم تفکیک کرد. اول اینکه چرا این وضعیت وجود دارد. من به عامل اقتصادی که شما طرح کردید شک دارم. به این علت که ما در سالهای ۷۳ و ۷۴ تورم شدیدتری داشتیم اما این حس در جامعه وجود نداشت و یا حداقل به شدت کنونی نبود. دیگر اینکه فرض کنید آن مستبدی هم که شما از آن سخن می گوئید، بر سرکار بیاید. اما او که دیگر دیکتاتور نیست بلکه حاکم دموکراتی است که همه از عقلا نیت او استقبال می کنند. اگر همین الان شخصی پیدا شود و تورم را مهار کند که دیگر حرف و شکایتی باقی نمی ماند. مستبد کسی است که به نظر و رای دیگران اهمیت نمی دهد اما اگر هم اکنون دولت موجود معضل اقتصاد را حل کند گمان نمی کنم عموم مردم چندان با آن مخالفت کنند. اما از این دو مبحث هم اگر بگذریم سوال این است که فارغ از اینکه شما یک فعال سیاسی باشید، چه سناریوهایی را برای آینده کوتاه مدت ۳ و ۴ ساله جامعه پیش بینی می کنید؟

حجاریان: آن سالهایی که تو در مثال می گویی در مقایسه با امروز، آنقدرها هم فشار اقتصادی روی مردم نبود. من ندیدم که مردم اینقدر مستاصل باشند.

عبدی: شما ندیدید یا مردم این حس را نداشتند؟ فشار وجود داشت و سوال من این است که چرا اکنون این حس به وجود آمده و مسئله مهم هم همین است.

حجاریان: مردم در آن زمان این حس را نداشتند و اکنون دارند. چون اکنون دولت دارد متلاشی می شود. کابینه از هم پاشیده است. به قول همایون کاتوزیان دولت کلنگی شده است. اکنون چند ماه از سال گذشته ولی هنوز مشخص نیست که چند درصد به حقوق ها اضافه شده و یا بهره بانکی چقدر شده است. اصلاً چشم اندازی برای آینده وجود ندارد. در این شرایط دیگر سنگ روی سنگ بند نمی شود. این از علایم آخر الزمان است. گویی در هاویه افتاده ایم.

عبدی: باید اضافه کنیم که درآمدهای نفتی هم انتظارات را بالا برده و مجموعاً فقط تورم در این وضعیت دخیل نیست و در واقع هیچ چشم اندازی وجود ندارد و اوضاع بدتر هم می شود.

حجاریان: چشم انداز تاریک است. درآمدهای نفتی هم این مسئله را تشدید کرده است. دچار نوعی بی آیدنگی شده ایم.

عبدی: حال به عنوان یک ناظر ایرانی و نه یک فعال سیاسی در کوتاه مدت که منظور از کوتاه مدت هم یک دوره چرخش قدرت ۳ یا ۴ سال است، چند سناریو را در این کشور محتمل می‌دانی؟ می‌خواهیم از دل بیان این سناریوها، بفهمیم که احتمالات کدامیک بیشتر است و کدام را می‌توان تقویت کرد.

حجاریان: معمولاً در این شرایط محتمل‌ترین گزینه، تصور وضعیت موجود است.

عبدی: درست است فرض اولیه و محتمل‌ما چیزی است که وجود دارد. اما چون وضع موجود از پایداری برخوردار نیست و اوضاع مرتب بدتر می‌شود و این توان را ندارد که حتی خود را به صورت حداقلی اصلاح کند، بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که این وضع در کوتاه مدت مداوم پیدا کند.

حجاریان: باید ببینیم که چه عواملی باعث تغییر می‌شود. زمانی مردم مثلاً در اعتراض به افزایش کرایه در اسلامشهر شورش می‌کنند اما این شلوغی فایده‌ای ندارد. اینها عوامل گذرای است که رفع آن برای حکومت مشکلی ندارد.

عبدی: در واقع اینها عوامل پیش‌بینی نشده است. اما در جامعه امروز ما و در بستر واقعیت و نه در فرض ایده آل، نیروهای سازماندهی شده منتقد که امکان تاثیرگذاری آنها از راه‌های قانونی و مشارکت عمومی و یا انتخابات وجود دارد، تا چه میزان امکان دخالت در تغییر اوضاع را دارند؟

حجاریان: خودشان می‌گویند که اگر ائتلافی جامع از نیروهای اصلاح طلب تشکیل شود و بخشی از راست هم حضور داشته باشد، امکان تغییر وجود دارد. ببینید مراجع و ائمه جمعه از طرف مردم تحت فشار هستند. از آن طرف آقای هاشمی هم تمامی روحانیون سنتی از واعظ طبسی گرفته تا مهدوی کنی را با این هدف که در انتخابات آینده وضعیت به هم بخورد جمع کرده است.

عبدی: این پاسخ به سوال من نیست، چون شما درباره وضعیتی دیگر توضیح دادی اما ما درباره امروز صحبت می‌کنیم که چنین اتحادی وجود ندارد و گمان نمی‌کنم که در کوتاه مدت هم شکل بگیرد. ببین منظور من نهضت آزادی و ملی مذهبی‌ها و جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین است که رسیدن اینها به یک لیست واحد با جامعه روحانیت از محالات است.

حجاریان: يك لیست نه، منظور يك فرد است.

عبدی: حتی یک فرد هم به این سهولت نیست. اکنون این طیفی که بیرون رانده شدند آیا می‌توانند از نظر فعالیت سیاسی و مدنی در شرایط کنونی تاثیرگذار باشند؟ البته به این کار نداریم که خودشان چه می‌گویند.

حجاریان: الان که مشخص است نمی‌شود. انتخابات مجلس نشان داد که نمی‌شود.

عبدی: بنابراین به اعتقاد شما در شرایط کنونی به لحاظ فعالیت مدنی و سیاسی و حتی فعالیت سیاسی رسمی آنها نمی‌توانند تاثیرگذار باشند.

حجاریان: خود دولت گفته که سال سختی را درپیش داریم. مشخص نیست که وضعیت در آخر سال چگونه خواهد بود. شاید آن زمان مطالبات گسترده‌ای مطرح شود.

عبدی: هنوز به آن مرحله نرسیده‌ایم. ممکن است خیلی اتفاقات بیافتد. از اینکه بگذریم، یک عامل دیگر هم اقتصاد و پول نفت است. این عامل را تاچه میزان متغیری تاثیرگذار می‌دانی؟

حجاریان: مقدار زیادی از پول نفت خرج سوپسید شده است. اوضاع امروز ما شبیه شرایط بعد از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه است که نخست وزیر نظام تزاری اصلاحات ارضی اعلام کرد و با این اقدام طبقه متوسط را به نفع طبقه پایین قربانی کرد. سیاست‌های این دولت هم این است که تا می‌تواند حاشیه را برای خود داشته باشد و طبقه متوسط را قربانی این سیاست کند. با این اقدام ثبات خود را حفظ می‌کند.

عبدی: در این حالت دولت چگونه می تواند پس از قربانی کردن طبقه متوسط، وضعیت را ثبات دهد؟

حجاریان: در جامعه طبقه ای داریم به نام "لمپن پرولتاریا". اینها حاشیه نشین ها و اقلیاتی هستند که هنوز ماقبل جامعه صنعتی زندگی می کنند. دولت تلاش دارد تا این طبقات را با خود همراه داشته باشد چراکه تصور می کند در نهایت هم همین طبقات از موجودیت او دفاع خواهند کرد.

عبدی: این نوع مدافع تنها به درد شرایط ویژه می خورد. در شرایط غیرجنگی و غیرویزه که چنین مدافعی به کار نمی آید.

حجاریان: آنها معتقدند که آمریکا در نهایت به ایران ضربه خواهد زد. مثلا ممکن است در داخل، حادثه ای شبیه ۱۸ تیر یا دوم خرداد اتفاق بیافتد و یا در منطقه متحدان آمریکا به ایران ضربه بزنند. پس اعتقاد دارند که باید برای حفظ خود منابع را تخصیص دهیم، حال اگر صنعت نابود شد هم مهم نیست. ببینید چقدر خرج هیات ها می شود. من پیریشب در راه منزل دیدم که حجت الاسلام پورچلویی یکی از اعضای تیم ترور خودم، یک هیات بزرگ زده و کلی مردم را جمع کرده است.

عبدی: بد نبود خودت هم می رفتی داخل هیات (خنده)

حجاریان: بله! با خودم گفتم چقدر جالب است. به من گفتند جانباز ۷۰ درصد هستی اما هم از دانشگاه اخراج شدم و هم حقوق ام قطع شد. منظورم این است که در تخصیص منابع، پول را جایی هزینه می کنند که می دانند مدافع نهایی آنها خواهند بود.

عبدی: ربط این مسئله با نفت اینجا است که مازاد بر آنچه به کارمند می دهند، می تواند در این سیستم توزیع شود. به هر حال درآمد نفتی ما اگر بیشتر نشود، کمتر نخواهد شد و عامل نفت حتما در آینده مقوم این شرایط است.

حجاریان: مشکل ما این است که چون اصلاح طلبان عضو طبقه فرمال(رسمی) و مقابل لمپن پرولتاریا هستند کارشان سخت می شود.

عبدی: البته اگر طبقه فرمال هم وجود داشت چون اصلاح طلبان تشکیلات و قدرت بسیج اجتماعی ندارند باز هم جواب نمی داد. از این بحث اگر بگذریم، دو عامل باقی می ماند، یکی عامل خارجی و دیگر ساخت سیاسی. تاثیرگذاری این دو عامل را چگونه می بینی؟

حجاریان: درباره عامل خارجی گفته می شود که تا وقتی بوش سرکار است، اتفاقی نخواهد افتاد. من هم معتقدم که بوش به دلیل مسئله هسته ای اقدامی نخواهد کرد. اما امکان دارد که به خاطر عراق یا داستانی مثل ملوانان انگلیسی اقدامی انجام دهد.

عبدی: ممکن است هر اتفاقی بیافتد اما اکنون مذاکرات اسرائیل و سوریه اطمینانی را در جهت ثبات نسبی منطقه به آمریکا می دهد. در داستان لبنان هم مهم این نیست که چه توافقی حاصل می شود مهم این است که هرکسی که زیر قرارداد بزند بازنده است. به هر حال بهانه پیدا کردن در عالم سیاست خیلی سخت نیست. آیا گمان نمی کنید که پس از حل کردن این دو بحران، ممکن است مشکلات ما با عامل خارجی تا چند ماه دیگر افزایش یابد؟

حجاریان: بله، آنها دنبال همین هستند. لبنان که حل شد. عراق هم که قرارداد را امضا کند حل می شود. در بحران سوریه هم که می خواهند جولان را منطقه غیرنظامی و تبدیل به پارک کنند تا عربها و یهودی ها در آن بگردند. مالکیت اما برای سوریه باقی می ماند.

عبدی: چیزی شبیه منطقه سوم یا چهارم سینا می شود.

حجاریان: بله، آن هم منطقه ای غیرنظامی است. در مورد جولان هم که سوریه قبول کرده است.

عبدی: آقای سیستانی هم که راجع به این قرارداد گفتند که اگر مردم عراق رای دهند می پذیرند. در آنجا کردها رای می دهند، شیعیان هم که بعید است بعد از این سخن آیت الله سیستانی که مسئله را به خود آنها ارجاع داده است، رای ندهند.

حجاریان: مالکی قبول دارد. سنی ها هم قبول دارند. بنابراین پس از حل این مسائل آنها ممکن است توجه شان به ایران بیشتر شود.

عبدی: اگر از عامل خارجی هم بگذریم، به نظر شما اکنون در ساخت سیاسی چگونه می تواند تغییری ایجاد شود؟

حجاریان: در داخل ساختار سیاسی فقط يك مشکل در مقابل دولت است و آن هم روحانیون هستند. فشار به روحانیت از جانب مردم بالا است.

عبدی: آیا واقعا روحانیت می تواند بر مبنای رای مردم به ساختار سیاسی فشار بیاورد؟ آیا چنین امیدی واقع بینانه است؟

حجاریان: روحانیت پایگاه مردمی دارد و فشاری که به مردم وارد می شود، عینا به روحانیت منتقل می شود. مردم برای نظم خواهی و شکایت به روحانی محل مراجعه می کنند و روحانی هم وظیفه دارد که آن را به مراجع منتقل کند. اکنون اگر به دیدن مراجع قم بروی همه از گرانی گله می کنند.

عبدی: ببین آقا سعید، آقای خاتمی هم وقتی رییس جمهور بود و به دیدار آنان می رفت، برخی از روحانیون جلوی او حرف هایی می زدند اما در جاهای دیگر حرف دیگری می زدند. برای آنها مسئله آترناتیو مهم است که چه کسی می رود و چه کسی می آید.

حجاریان: زمان خاتمی می گفتند که مشکل ما بی حجابی و یا وزارت ارشاد است. الان اما می گویند مشکل گرانی است. می گویند که دولت نمی تواند اوضاع را سروسامان دهد. مثلا ناطق نوری بهتر است. گرایش های جدید در حوزه به روی ناطق مثبت است.

عبدی: آیا ما کل وضعیت سیاسی را به یک فرد تقلیل می دهیم؟ یعنی اگر یک فرد برود و دیگری بیاید همه چیز درست خواهد شد؟

حجاریان: نه! می گویند که احمدی نژاد نماینده راست رادیکال است و ناطق نماینده راست محافظه کار. دعوا میان روحانیت و نیروهای نظامی بر سر تقسیم منابع است. منابع را دیگری مصرف می کند اما روحانیت باید به مردم جواب دهد.

عبدی: ببین من می خواهم بگویم اتفاقی که دارد می افتد از یک مشکل ساختاری حکایت می کند، اما سخنان تو دعوا را به یک فرد تقلیل می دهد.

حجاریان: از شما می پرسم که آیا این نظر من درست نیست؟ آیا آثار آن را نمی بینید؟

عبدی: خیلی امیدی ندارم که روحانیت بتواند و یا بخواهد که قدمی بس. ی اصلاح ساختار بردارد.

حجاریان: اگر به جامعه روحانیت مبارز بروی خیلی حرف ها را می شنوی.

عبدی بله! شما اگر با تک تک آنها که بنشیننی حتی از ناطق هم می گذرند و به خاتمی نزدیک می شوند. در این مشکلی نیست. ولی آنچه برای ما مطرح است، چیزی است که در بیرون بیان و عمل می شود. حال بادر نظر گرفتن مجموعه این صحبت ها یک سوال باقی مانده است. ما درباره سناریوهایی که می تواند رخ دهد صحبت کردیم، از جمله اینکه یک دعوی خارجی رخ دهد یا همین وضع ادامه پیدا کند و یا همین فرایند تشدید شود تا زودتر نتیجه مشخص حاصل شود صحبت کردیم. اکنون یکسری احتمالاتی برای بعضی از این سناریوها وجود دارد. بهینه کردن

رفتار ما هم این نیست که ذهنی و انتزاعی با این احتمالات برخورد کنیم. از این رو باید ببینیم که کدام راهکار که البته نزدیکتر به دیدگاه ها و ارزش های اصلاحی باشد را می توانیم محقق کنیم. به نظر شما اصلاح طلبان باید در میان این سناریوها و احتمالات و با در نظر گرفتن وضعیت و ارزش ها و دیدگاه های خود کدام را تقویت کنند؟

حجاریان: برای انتخابات بعدی؟

عبدی: من منظورم تنها انتخابات نیست. در کلیت صحبت می کنم. بهینه ترین سیاستی که در وضعیت کنونی با توجه به شناخت تمام جوانب پیشنهاد می کنی چیست؟

حجاریان: اصلاح طلبان تاکنون چند تا حرف زده اند. یکی اینکه می خواهند کمی به سمت راست بچرخند.

عبدی: یکی از مشکلاتی هم که وجود دارد همین است. اینکه به سمت راست می کشند به این معنی است که خودشان تغییر پیدا می کنند یا اینکه می گویند ما این هستیم ولی از راست حمایت می کنیم.

حجاریان: با عنایت به مقدرات و محدودیت ها عمل می شود. استراتژی که از خلاء نمی آید.

عبدی: نه ببین! گاهی می گویم که من تفکراتم این است اما در شرایط فعلی از فلان فرد یا گروه حمایت می کنم و هیچ ایرادی ندارد. اما گاهی تفکر خود را تغییر می دهند و می گویند که باید جور دیگری فکر کنیم.

حجاریان: آنها می گویند که با عنایت به شرایط فعلی باید تصمیم گرفت. به خصوص شنیده ام که در بین کارگزاران گفته شده که باید به سمت روحانیت برویم و فردی که بتواند رای بیاورد را مطرح کنیم. مثلا گفته اند ناطق کاندیدای خوبی است. اول اینکه در قدرت نیست و دوم هم اینکه به این سمت متمایل شده است و سوم اینکه ناطق دعوی میان روحانیت و نظامیان را عمیق تر می کند.

عبدی: همین حمایت از ناطق گمان نمی کنی که در چارچوب داخلی ساخت سیاسی، آن گروه را تضعیف کند؟

حجاریان: این حرف را کارگزاران می زنند.

عبدی: مهم تفسیری است که ساخت سیاسی از حرف آنها به دست می دهد. به نظر من بخشی از دولت جدید بیشتر از آنکه فقط بخواهد اصلاح طلبان را بیرون کند، به دنبال جمع کردن بساط تفکر کارگزاری است.

حجاریان: بالاخره هاشمی هنوز بخشی از قدرت ایران و عضو جامعه روحانیت است. ناطق هم عضو همین مجموعه است. طبیعی است که هاشمی لولای دو طرف می شود. چون اگر خودش بیاید، رای نمی آورد.

عبدی: وقتی که خودش رای ندارد، حمایت عوامل پایین تر از خودش هم مشکل ساز می شوند.

حجاریان: این دیگر و رای نظرگاهی است که مطرح شده است. این وسط تنها بحث هاشمی و ناطق مطرح نیست. بحث قم و مهدوی کنی هم مطرح است.

عبدی: آقای مهدوی که مشهور به صراحت لهجه است وقتی درباره احمدی نژاد حرفی در دانشگاه امام صادق زد و حتی مکتوب هم شد، فوراً آن را تعدیل کردند. آقای مهدوی یک آدم بسیار روحانیت گرا است و نباید مثلا احمدی نژاد موقعیتی جدی در صفحه تفکر او داشته باشد. اما به سرعت حرف خود درباره وی را تعدیل می کند. حال شما چگونه فکر می کنید که این جریان فردا جلوی این جماعت می ایستد؟

حجاریان: آقای مهدوی کنی در دوم خرداد از ناطق جوری حمایت کرد که گویی خیلی به او نزدیک است. البته يك دیدگاه دیگر هم در اصلاح طلبان وجود دارد و آن حمایت و مطرح کردن خاتمی است.

عبدی: گیر و پیچ این دیدگاه را چه می دانید؟

حجاریان: شاید به خاتمی توصیه شود که نیاید و اگر نیاید آنگاه ۱۰ کاندیدای اصلاح طلب ظهور می کنند.

عبدی: فرض کنید به او نگویند که نیاید. و او هم بیاید آنگاه چه اتفاقی می افتد؟

حجاریان: می گویند خاتمی بیاید در مقابل احمدی نژاد رای دارد.

عبدی: شما هم همین اعتقاد را داری؟

حجاریان: مشکل برگزاری يك انتخابات سالم است.

عبدی: پس هیچ راه اثبات و ردی برای آن وجود ندارد؟

حجاریان: هنوز نه.

عبدی: راهبرد دیگر چیست؟

حجاریان: راهبرد دیگر این است که اصلاً در انتخابات مشارکت نکنیم. يك راهبرد هم می گوید که پشت سر يك آدم قوي و پایه کار که مثل خاتمی هم نباشد بایستیم.

عبدی: مثلاً چه کسی؟

حجاریان: عبدالله نوری. دانشجویان و تحریمی ها هم پشت سر او می آیند. اگر هم ردصلاحیت شد می گویم که در انتخابات شرکت نمی کنیم. اگر هم در صحنه باقی ماند که همه دوم خردادی ها و تحریمی ها بسیج می شوند.

عبدی: پیشنهاد شما در این باره چیست؟ فکر می کنید کدامیک محتمل تر است و امکان انجامش وجود دارد. شما کدام راهبرد را توصیه می کنید؟

حجاریان: الان نمی دانم. اما هیچکدام را رد نمی کنم. باید چند ماه بگذرد تا ببینیم که آیا ائتلاف می شکنند یا نمی شکنند. ممکن است با تقابل هر کدام از این راهبردها ائتلاف بشکنند.

عبدی: نمی توان منتظر ماند چون گروه های اصلاح طلب اکنون در حال تصمیم گیری هستند. عوض کردن تصمیم هم هزینه دارد و با گذشت زمان امکان تغییر در تصمیم هم کمتر می شود. به این ترتیب شما هیچکدام از راهبردها را توصیه نمی کنید؟

حجاریان: برای من ائتلاف مهم تر است.

عبدی: یعنی هیچکدام از راهبردها را رد هم نمی کنید؟

حجاریان: فعلاً نه.

عبدی: فرض ما ممکن بودن یا غیرممکن بودن آن نیست. فرض این است که ائتلاف چه بشکند و چه تحقق پیدا کند در خلاء و انتزاع امکان شکلگیری ندارد. بحث این بود که شما به عنوان یک فعال سیاسی ترجیح خود را در این مسئله بیان کنید. به نظر می رسد ترجیح شما شکل گرفتن و باقی ماندن ائتلاف است؟

حجاریان: من اکنون نمی دانم نظر ائتلاف چیست. مثلاً سر ناطق ممکن است ائتلاف بشکند. سر عبدالله نوری هم ممکن است بشکند. سر خاتمی احتمالاً نمی شکنند اما گیر دارد. هر کدام معایب و منافع خاصی دارد.

عبدی: پس راه خاصی را پیشنهاد نمی کنید؟

حجاریان: من تصمیم گیر نیستم.

عبدی: نمی گویم که شما تصمیم گیر هستید. اما شما به عنوان تحلیلگر می توانید راهی را پیشنهاد کنید که دیگران هم به آن احترام می گذارند و درباره آن تامل می کنند و کوشش می کنند که آن را تنوریزه کنند.

حجاریان: الان نگویم بهتر است. چون حزب نظر علنی و شخصی را ممنوع کرده است.

عبدی: من البته مخالف انضباط حزبی نیستم اما گاهی یک آدم عادی حزبی نظری می دهد و زمانی دیگر شخصی که انتظار می رود درباره مسئله ای موضع شخصی تحلیلی هم داشته باشد. فکر نمی کنی که این سکوت اجباری بیش از حد محدود کردن است؟ می توانی صریح نظرت را نگویی اما مبانی آن را بگویی. اینکه بگویی نظر نمی دهم برای دیگران سوال ایجاد خواهد کرد؟

حجاریان: چرا؟

عبدی: به این دلیل که رعایت این مقدار از انضباط حزبی را از شما نمی پذیرند

حجاریان: من هم عضو حزب هستم و تصمیم براین بوده که نظر شخصی ندهیم.

عبدی: اما انتظاری خاص از شما وجود دارد و به علاوه همه هم یکسان نیستند. افراد با هم تفاوت دارند.

حجاریان: بله، مثلا اگر تو جایی من بودی حتما می گفتی.

عبدی: آیا هواداران یک حزب نباید بدانند که در یکسال آینده این حزب کدام مسیر را طی خواهد کرد؟ آن هم دو مسیری که ۱۸۰ درجه تفاوت دارد؟ از آن طرف برخی اعضای مشارکت می گویند که ما باید فراکسیونیم را تقویت کنیم اما در نهایت هر تصمیم که گرفته شد رعایت شود. اما وقتی همه اعضا را از نظر دادن منع می کنند به این معنا است که اصلا تمایلی برای به چالش گذاشتن مسئله ندارند و این در تقابل با فراکسیونیم و تقویت آن است.

حجاریان: اما در دفتر سیاسی چالش داریم.

عبدی: چالش در بدنه حزبی مهم است نه در شورای مرکزی و دفتر سیاسی. آنجا باید انعکاسی از خواسته های بیرون باشد.

حجاریان: آنجا هم يك بحث مطرح می شود و چالش ایجاد می شود.

عبدی: ولی چالش در بدنه و جامعه با چالش در دفتر سیاسی و راس هرم حزبی فرق دارد.

حجاریان: حالا نظر تو چیست؟ تو چه دیدگاهی می توانی در این شرایط داشته باشی؟

عبدی: من نظرم را می گویم. من معتقدم که الان زمان، زمان امتناع تصمیم گذاری اصلاح طلبان است. هر عملی هم که انجام دهند تاثیر مخرب آن بیشتر از تاثیر مثبت آن است. بهترین دلیل هم سال اول مجلس هفتم بعد از روی کار آمدن دولت جدید است. بهترین کار این است که به خودشان بپردازند و اصلا هم اصرار بر حضور در انتخابات نداشته باشند. حتی خیلی هم اصرار ندارم که کاندیدایی را انتخاب کنند که مطمئنا رصلاحیت می شود. از طرف دیگر امکان آن هم وجود ندارد که کسانی که از فضای مشارکت در انتخابات سخن می گفتند بروند و از امثال عبدالله نوری دفاع کنند که رد شدنش در شرائط کنونی قطعی است. این تغییر مشی و کاندیدا کردن امثال وی هم البته تغییر جالب و پذیرفتنی نیست. بنابراین این راهبرد را باید کنار گذاشت. راهبرد خاتمی هم از اساس به دو دلیل شکست خورده است. همانطور که شما هم گفتید اگر ببینند خاتمی شانسی دارد به او می گویند نیا. خیلی اصرار کند ممکن است شورای نگهبان "ان قلتی" وارد کند و بعد با حکم حکومتی وارد شود. اگر هم احساس این باشد که شانسی ندارد خوب خیلی صورت خوبی

ندارد که وارد رقابتي بشود که شکست اش قطعی باشد. ضمن اینکه من شخصا عقیده ندارم که رای دارد. البته تمام حرف های من با فرض امروز است. حمایت از یک کسی مثل ناطق و یا قالیباف در جناح راست هم ...

حجاریان: قالیباف نه. دعوا و شکاف میان روحانیون و حامیان دولت است.

عبدی: به هر حال این گزینه هم پذیرفتنی نیست. اصلاح طلبان نمی توانند از ناطق حمایت کنند. ناطق دو تا گیر در رقابت با احمدی نژاد دارد. اول اینکه یک روحانی است و دوم اینکه یک بار سابقه شکست دارد و بازسازی ای که شما از ایشان سخن می گوئید در ذهن مردم نیست بلکه در ذهن نخبگان است آن هم اندکی از نخبگان. ضمن اینکه این بازسازی عمیق نیست و صرفا در تقابل با سیاست های موجود است و چه بسا اگر این سیاست ها کنار رود آن گذشته هم بازگردد. بنابراین حرف من این است که بود و نبود اصلاح طلبان کمکی به ناطق نمی کند. چون کسانی از اصلاح طلبان که امکان بسیج مردمی دارند پشت سر ناطق نمی آیند و آنها هم چه بسا علاقه ای به حمایت اصلاح طلبان نداشته باشند. پس تمام راهبردهای اصلاح طلبان اشکال دارد. تنها راهبرد صبر، سکوت نسبی، بازسازی خود و قوام تشکیلاتی و نگاه انتقادی به گذشته و انتظار برای آنها باقی می ماند. انتظار به این دلیل مهم است که این شرایط مطلقا پایدار نیست. هدف صبر و سکوت و انتظار، انفعال نیست بلکه بازسازی اصلاح طلبان است. **من اصلا معتقد نیستم که باید از ناطق حمایت کرد. شاید اشتراکاتی در دوره هایی وجود داشته باشد اما حمایت بی مفهوم است. اصلاح طلبان باید اعتماد و تشکیلات و نظم خود را در جامعه بازسازی کند و با عجله دويدن در میدان سیاست به نظر من جواب نمی دهد. فکر کنم که سعید هم با این پیشنهاد صبر و سکوت موافق است، فقط از او خواسته اند که نگوید!**

حجاریان: سکوت تا چه زمانی باید ادامه داشته باشد؟

عبدی: زمان مشخص نیست. اوضاع کنونی مثل حرکت کردن روی بند است. یک اتفاق درباره نفت می تواند کل اوضاع را به هم بریزد. یک بحران داخلی می تواند اوضاع را تحت الشعاع قرار دهد. یک تنش کوچک خارجی می تواند مسئله ساز شود. اینگونه نیست که جامعه هیچ واکنشی نشان ندهد. وضعیت جامعه چون ناپایدار است در برابر هر اتفاق کوچکی می تواند یک واکنش پیش بینی نشده از خود بروز دهد. به حدیث امام علی(ع) ارجاع می دهم که فرمودند در شرایط ویژه مثل شتری باش که نه سواری می دهد و نه شیر. من حس می کنم که در چند انتخابات اخیر اصلاح طلبان هم سواری دادند و هم شیرشان دوشیده شده است.

حجاریان: بهتر است آیه "ولاتفوا لیس لک به علم" را ذکر کنی.

عبدی: درست است. در واقع این بهتر است که جایی که به آن علم نداری دست نگه داری و به آنچه علم داری عمل کنی. آنچه اکنون اصلاح طلبان علم دارند این است که خودشان را بازسازی و تقویت کنند، نه به این خاطر که دانشی وجود ندارد بلکه به این دلیل که افق ایران اکنون افق روشنی نیست و من شاید بتوانم به صفت شخصی پای در این افق ناشناخته بگذارم اما حق ندارم جامعه را دنبال خودم بکشم.

حجاریان: حرف من این است که فعلا همه حرف ها را زده اند و باید صبر کرد. مباحث استراتژیک همیشه تکرار می شود

منبع: سایت عباس عبدی